

عزاداری امام حسین علیه السلام

دو محضر امامان شیعه علیهم السلام

حسین پوراحمدی*

چکیده

سنت عزاداری امام حسین علیه السلام از سنت‌های مهم و مؤثر شیعی است که در طول تاریخ دچار تحولاتی گردیده است. برای دستیابی به شیوه‌های اصیل و دور از خرافات و تحریفات این سنت مهم، تأسی به امامان معصوم شیعه علیهم السلام یکی از بهترین راه‌ها به شمار می‌آید. در این مقاله، تلاش شده است در حد مقدور، شیوه برگزاری سنت عزاداری بر امام حسین علیه السلام توسط امامان شیعه علیهم السلام و اهدافی که آن بزرگواران از این کار دنبال می‌کردند، ترسیم گردد.

مقدمه

بی‌تردید، یکی از سنت‌های مهم شیعی، عزاداری برای شهادت امام حسین علیه السلام، امام سوم شیعیان، است که در عاشورای ۶۱ هـ با وضعیتی دلخراش و بی‌سابقه همراه با عده‌ای از خویشان و اصحابش در کربلا به شهادت رسید.

قیام امام حسین علیه السلام چنان تأثیری در استمرار حرکت شیعه داشته که در این باره گفته شده است: «إِنَّ الْإِسْلَامَ عَلَوِيٌّ، وَالتَّشْيِعُ حُسَيْنِي»^(۱)، «اسلام، علوی است و تشیع، حسینی».

*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس.

امام سجاد علیه السلام در سوگ پدر

سوگواری و بزرگداشت شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش از همان آغاز و توسط فرزندش علی بن حسین علیه السلام ملقب به «امام سجاد» علیه السلام و خواهر گرامی اش حضرت زینب علیها السلام و دیگر همراهان آن حضرت، که شاهد ماجرا بودند، برپا شده است.

امام سجاد علیه السلام با توجه به حاکمیت مطلق و قساوت امویان، که اوج بی‌رحمی خود را در حادثه کربلا نشان داده بودند، دوران امامت خود را در انزوای سیاسی به سر برد و از مناقشات سیاسی کناره‌گیری کرد. ایشان در جریان روایتی عبدالله بن زبیر با حکومت اموی دخالت نکرد و حتی در قیام مردم مدینه در واقعه «حرّه» بر ضد حکومت یزید، بی‌طرفی اختیار کرد و به تقاضای مروان بن حکم، عامل مدینه، پناهندگی همسر و خانواده‌اش را پذیرفت و آنها را به همراه خانواده خود به «ینبع» (چشمه‌سرای نزدیک مدینه، سمت راست کوه رضوی) برد. این در حالی بود که مروان ابتدا این خواهش را از عبدالله بن عمر کرد، ولی او نپذیرفت. (۲)

علاوه بر فراهم نبودن شرایط برای قیام امام سجاد علیه السلام علت مهم دیگر، عظمت واقعه کربلا و رسالت بزرگی بود که این امام برای رساندن پیام عاشورا و جلوگیری از به فراموشی سپردن آن بر دوش خود احساس می‌کرد. وی بهترین راه مبارزه با حکومت اموی را زنده نگه داشتن حادثه عاشورا و افشای جنایات امویان در این واقعه می‌دانست. امام سجاد علیه السلام از هر فرصتی برای زنده نگه داشتن خاطره عاشورا و یاد امام حسین علیه السلام و یارانش استفاده می‌کرد. نقل شده است که ایشان هنگام نوشیدن آب به شدت می‌گریست و وقتی با پرسش اطرافیان در این باره رویه‌رو می‌شد، پاسخ می‌داد: «چگونه گریه نکنم، در حالی که آبی را که پرندگان و جانوران وحشی از آن آزادانه استفاده می‌کردند، بر پدرم منع نمودند؟» (۳)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که علی بن حسین علیه السلام پس از شهادت امام حسین علیه السلام تا آخرین لحظات زندگی بر مصیبت پدرش گریه می‌کرد و هر گاه می‌خواست دست به سوی طعام ببرد و یا آب بنوشد گریه می‌کرد، تا جایی که یکی از غلامانش به او گفت:

یابن رسول الله صلی الله علیه و آله، چقدر گریه می‌کنید؟! می‌ترسم خود را هلاک کنید! حضرت در جواب فرمود: «همانا اندوه و غصه‌ام را به خدا شکوه می‌کنم و می‌دانم از خدا آنچه را که شما نمی‌دانید.»^(۴)

در پاسخ یکی دیگر از کسانی که به گریه‌های شدید ایشان معترض بود، فرمود: «وای بر تو! یعقوب پیامبر دوازده فرزند داشت که خدا یکی را از چشم پدر دور کرد. یعقوب در فراق یوسف به قدری گریه کرد که دو چشمش نابینا و سفید شد و کمرش از غصه یوسف خمیده گشت، در حالی که فرزندش زنده و سالم بود. ولی من با دو چشم دیدم که پدر و برادر و عموهایم و هفده تن از اهل بیت در کنارم کشته شدند، چگونه می‌توانم گریه نکنم؟»^(۵)

در برخی از روایات نقل شده است که پس از خواب عجیب و عبرت‌انگیزی که همسر یزید دید و برای شوهرش نقل کرد، یزید اسرای اهل بیت علیهم السلام را خواست و برای دل‌جویی و جلب رضایت آنان، آمادگی خود را برای برآوردن خواسته‌ای از آنان اعلام کرد. اهل بیت امام حسین علیه السلام گفتند: ما بیش از هر چیز دوست داریم بر حسین علیه السلام گریه و زاری کنیم. سپس یزید مقدمات عزاداری را برای آن‌ها فراهم کرد و اسرای اهل بیت هفت روز بر آن حضرت ندبه و زاری کردند.^(۶)

نویسنده کتاب سیاهپوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، در این باره چنین آورده است: هند، همسر یزید، می‌گوید: در عالم خواب دیدم دری از آسمان باز شده است و فرشتگان گروه‌گروه به سوی سر حسین علیه السلام فرود می‌آیند و می‌گویند: السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک یابن رسول الله. در ادامه، او در عالم رؤیا شاهد بوسیدن سر امام حسین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و مناظر دیگری بود. هند می‌گوید: ناراحت و نگران از خواب بیدار شدم و ناگهان چشمم به نوری افتاد که از سر بریده امام حسین علیه السلام متصاعد بود. با مشاهده این صحنه، به جست‌وجوی یزید برخاستم و او را در اتاقی تاریک یافتم که محزون و غمگین می‌گفت: مرا چه به کار حسین؟ خواب خویش را برای او نقل کردم و او سرش را به زیر افکنده بود.

نویسنده با ذکر این رؤیا، یزید را پشیمان و نادم از جنایت خویش در کربلا دانسته است و این موضوع را عامل برخورد ملایم وی با اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند،^(۷) در حالی که باید توجه داشت ترس یزید از خشم عمومی مردم و قیام بر ضد حکومت را باید عامل اصلی مدارا با اسرای اهل بیت علیهم‌السلام و سعی در جلب رضایت آنان دانست. کافی است مروری بر واقعه «حَرّه» و جنایات لشکریان یزید در مدینه، که دو سال پس از واقعه کربلا روی داد، داشته باشیم تا نادم و پشیمان بودن یزید از جنایاتش در کربلا را داستانی نادرست بدانیم.

دکتر شهیدی در این باره می‌نویسد: «مسلم بن عقبه، فرمانده سپاه اعزامی یزید به مدینه، سه روز شهر را به اختیار سپاهیان خونخوار شام نهاد تا هرچه خواهند بکنند و چه مردان دیندار و پارسا و شب‌زنده‌دار که کشته شد و چه حرمت‌ها که در هم شکست و چه زنان و دختران که از تجاوز این مردم وحشی نرسند! خدا می‌داند از این فاجعه تنها یک حقیقت را می‌توان دریافت و آن اینکه در این لشکرکشی، امیر و مأمور هیچ‌یک از فقه اسلام آگاهی نداشتند، و اگر داشتند بدان بی‌اعتنا بودند.»^(۸)

یکی از شیوه‌های امامان شیعه در برگزاری عزاداری بر امام حسین علیه‌السلام و زنده نگه داشتن یاد و خاطره قیام عاشورا استفاده از خطیبان و شاعران و افراد خوش صدا بود. به این افراد «مُنشِد» می‌گفتند که معادل «مدّاح» امروزی بود. البته مسلم است این افراد، که در محضر امامان معصوم به شعرخوانی و مرثیه‌سرایی می‌پرداختند، از هرگونه گزافه‌گویی و غلو و سخن نادرست به دور بودند و اساساً حادثه کربلا آن‌قدر دلخراش و حزن‌انگیز است که برای تحریک احساسات، نیازی به قصه‌پردازی و بیان مطالب نادرست، که متأسفانه کار برخی از مدّاحان شده، نیست.

هنگام بازگشت اهل بیت علیهم‌السلام به مدینه، کاروان آن‌ها در نزدیکی شهر اقامت کوتاهی کرد. چند تن از اهالی مدینه با کاروان اسرا برخورد کردند. یکی از آنان بشیر بن جدلم بود. امام سجاد علیه‌السلام او را شناخت و به او فرمود: ای بشیر، پدرت شاعر بود، تو هم از شاعری بهره‌ای داری؟ بشیر گفت: بلی، من خود نیز شاعرم. حضرت فرمود: ایاتی بگو

و جلوتر از ما به مدینه برو و خبر ورود ما و مصیبت قتل سیدالشهداء علیه السلام را به مردم اعلام کن. بشیر این آیات را ساخت و با گریه و صدای رسا بر مردم مدینه فراخواند:

يا اهل يثرب لا مقام لكم بها قُتِلَ الحسينُ و ادمعى مِدرارًا
الجسمُ منه بكرِلاءٍ مفرِّج والرأسُ منه على القنّاةِ يُدارًا.

یعنی: ای اهل مدینه، دیگر در مدینه اقامت نکنید که حسین علیه السلام شهید شد و به این سبب، سیلاب اشک از چشم من روان است. بدن شریفش در کربلا و در میان خاک و خون افتاده و سر مقدّسش را بر سر نیزه‌ها در شهرها می‌گردانند.

بنا به قول ابی مخنف، زنی در مدینه باقی نماند، جز آنکه از خانه بیرون رفت و مردمان سیاه پوشیدند و فریاد گریه و ناله سر دادند. (۹)

امام جعفر صادق علیه السلام و عزاداری امام حسین علیه السلام

شیعه امامیه بسیاری از احادیث و روایات خود، به ویژه در مسائل فقهی، را از امام ششم، جعفر بن محمد صادق علیه السلام، گرفته و بسیاری از سنت‌ها و آداب و رسوم شیعه منسوب به ایشان است، تا آنجا که مذهب شیعه امامیه را «مذهب جعفری» می‌نامند. این مسئله مرهون شرایطی بود: سلسله بنی امیه در سرایش سقوت قرار داشتند و خاندان عباسی هم هنوز قدرت تثبیت شده‌ای نداشتند.

امامت امام صادق علیه السلام از سال ۱۱۴ تا ۱۴۸ ق طول کشید که دوران نسبتاً طولانی ۳۴ ساله را شامل می‌شد. از این مدت، ۱۸ سال در اواخر دوران اموی سپری شد و ۱۶ سال در اوایل دوران خلافت عباسی گذشت. امام صادق علیه السلام با استفاده از این شرایط، نسبت به بسط و گسترش فرهنگ اسلامی و شیعی تلاش و افری نمود و به تدوین و تعمیق فقه و مبانی و سنن شیعی همّت گمارد و شاگردان زیادی در این جهت پرورش داد. روایات زیادی از بزرگداشت واقعه کربلا و شهادت حسین بن علی علیه السلام و یارانش توسط این امام نقل شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

از عبدالله بن سنان روایت شده است که در روز عاشورا بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد

شدم، در حالی که جمع زیادی اطراف ایشان را فرا گرفته بودند و ایشان چهره‌ای اندوهناک و غمگین و اشکبار داشت. عرض کردم: یابن رسول الله، از چه می‌گریید؟ خداوند دیده شما را نگریاند. فرمود: آیا تو در بی‌خبری به سر می‌بری؟ مگر نمی‌دانی در چنین روزی حسین علیه السلام به شهادت رسید؟ گریه به او امان نداد تا سخن بیشتری بگوید و همه مردم به گریه افتادند. (۱۰)

چنانچه این روایت را درست بدانیم، به اوج خفقان عصر اموی و شدت برخورد آنان با سنت‌های شیعی و به ویژه عزاداری امام حسین علیه السلام پی می‌بریم که حتی یاران نزدیک امامان شیعه را نیز در بی‌خبری نگه می‌داشت که البته جای تأمل دارد.

زید الشحام نقل می‌کند که روزی نزد امام صادق علیه السلام بودیم. جعفر بن عثمان وارد شد و نزدیک امام نشست. امام به او فرمود: شنیده‌ام که تو درباره حسین علیه السلام شعر می‌گویی. جعفر گفت: آری. با درخواست امام، جعفر اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام خواند و امام و جمع حاضر گریه کردند. اشک بر چهره امام جاری گشت و فرمود: ای جعفر، فرشتگان مقرب الهی سخن تو را شنیدند و گریه کردند، همچنان‌که ما گریه کردیم. سپس فرمود: «کسی که برای حسین علیه السلام شعر بگوید، خود گریه کند و دیگران را بگریاند، خدا بهشت را بر او واجب می‌کند و گناهانش را می‌آمرزد.» (۱۱)

محمد بن سهل می‌گوید: در ایام تشریق (۱۲) به همراه کمیت شاعر، خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدیم. کمیت به امام عرض کرد: اجازه می‌فرمایید شعر بخوانم؟ حضرت فرمود: بخوان که این ایام روزهای بزرگی هستند. پس حضرت خانواده خود را گفت که نزدیک آیند و به اشعار کمیت گوش دهند. کمیت اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام خواند. امام در حق کمیت دعا کرد و برای او آمرزش طلبید. (۱۳)

شیخ فخرالدین طریحی در کتاب منتخب روایت کرده است: چون هلال عاشورا پدیدار می‌شد، حضرت صادق علیه السلام اندوهناک می‌گردید و بر جد بزرگوارش سیدالشهداء علیه السلام می‌گریست و مردم از هر جانب به خدمت ایشان می‌آمدند و با او نوحه و ناله می‌نمودند و بر آن حضرت تعزیت می‌دادند و چون از گریه فارغ می‌گشتند،

حضرت می فرمود: «ای مردم، بدانید که حسین علیه السلام نزد پروردگار خود زنده و مرزوق است و پیوسته به عزاداران خود نگاه می کند و بر نام های ایشان و پدرانشان و جایگاهی که در بهشت برای آن ها مهیاست از همه داناتر است.» (۱۴)

همچنین امام صادق علیه السلام از امام حسین علیه السلام نقل می کند: «اگر زائر و عزادار من بداند که خداوند چه اجری به وی عطا خواهد فرمود، هر آینه شادی او از اندوهش بیشتر خواهد بود و زائر امام حسین علیه السلام با اهل خود بر نمی گردد مگر مسرور، و عزادار من از جای برنخیزد، مگر آنکه جمیع گناهانش آمرزیده می گردد و مانند روزی می شود که از مادر متولد شده است.» (۱۵)

تأکید امام صادق علیه السلام به زنده و گواه بودن امام حسین علیه السلام، اشاره به آیاتی از قرآن کریم است که ویژگی های شهید را بیان می کند. (۱۶) این مسئله بیانگر آن است که امام صادق علیه السلام تلاش می کردند فضای مسمومی را که بنی امیه برای امامان شیعه از جمله امام حسین علیه السلام در جامعه ایجاد کرده بودند و آن ها را افرادی طاغی و یاغی نسبت به حاکم اسلامی و امیرالمؤمنین می دانستند، با برپایی مجالس عزاداری و بیان حقایق پیرامون شخصیت و قیام امام حسین علیه السلام پاک کنند و مسلمانان را به حقایق آگاه سازند و در این باره، به قرآن، که مورد وثوق و اجماع مسلمانان است، متوسل می شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عزاداری امام حسین علیه السلام در محضر امام رضا علیه السلام

در منابع، اشاراتی به چگونگی برپایی مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام توسط امامان دیگر شیعه از جمله امام موسی کاظم و امام رضا علیهم السلام نیز شده است. در مورد امام موسی بن جعفر علیه السلام از قول فرزند بزرگوارش نقل شده است: «همین که محرم فرامی رسید، دیگر کسی خنده ای بر لب آن حضرت نمی دید و همواره اندوهگین بود تا دهه عاشورا بگذرد و چون روز دهم فرامی رسید، این روز، روز نهایت غم و مصیبت بود و می فرمود: این است آن روزی که جدم حسین علیه السلام در چنین روزی کشته شد.» (۱۷)

ربان بن شیبب نقل می کند که روز اول محرم بر ابی الحسن الرضا علیه السلام وارد شدم.

حضرت به من فرمود: «ای پسر شیب، اگر بر حسین علیه السلام بگریی چندانی که اشک بر گونه‌هایت جاری شود، خدای تعالی هر گناهی که کرده‌ای بیامرزد» سپس فرمود: «اگر می‌خواهی در درجات بهشت با ما باشی، برای اندوه ما اندوهناک باش و در خوشحالی ما شادمان.» (۱۸)

دَعْبِلُ خُزَاعِي، شاعر معروف اهل بیت علیهم السلام، روایت کرده است: در ایام عاشورا خدمت علی بن موسی علیه السلام رسیدیم. دیدیم آن حضرت با اصحاب خود ملول و محزون نشسته‌اند. چون مرا دید، فرمود: «مرحبا به تو ای دعبل! مرحبا به یاری‌کننده ما به دست و زبان خود!» پس مرا طلبید و نزد خود نشانید و فرمود: «ای دعبل، دوست دارم که شعری برای من بخوانی که این ایام، ایام حزن ما اهل بیت و ایام سرور اعدای ما، بخصوص بنی‌امیه، بوده است. ای دعبل، کسی که بگیرد و بگریاند بر مصیبت ما و آنچه که دشمنان بر ما وارد کرده‌اند، حق تعالی او را در زمره ما محشور گرداند. ای دعبل، کسی که در مصیبت جدّم امام حسین علیه السلام بگیرد، البته خداوند گناهان او را بیامرزد» و بعد برخاست و پرده در میان ما و اهل حرم زد و ایشان را بین پرده نشانید تا در مصیبت جدّ خود بگریند. سپس به من فرمود: «ای دعبل، مرثیه بخوان برای حسین علیه السلام که تو تا زنده‌ای ناصر و مداح ما هستی. با این کار، به ما یاری کن و در این باره کوتاهی مکن.»

دعبل می‌گوید: اشک از چشمان من جاری شد و شروع به شعرخوانی در رثای امام حسین علیه السلام کردم. (۱۹)

شیخ صدوق روایت کرده است که امام رضا علیه السلام می‌فرمود: «محرم ماهی بود که مردم در زمان جاهلیت قتال و جدال را در آن حرام می‌دانستند. اما این امت جفاکار حرمت این ماه را نگه نداشتند و خون ما را حلال و احترام ما را ضایع و اهل بیت ما را اسیر کردند. خیمه‌های اهل بیت را سوزاندند و اموال آنان را به غارت بردند و هیچ حرمتی از برای رسول الله صلی الله علیه و آله در حق ما لحاظ نکردند. روز قتل امام حسین علیه السلام چشم‌های ما را مجروح و اشک ما را جاری و عزیز ما را ذلیل گردانیدند. پس بر مثل حسین علیه السلام باید گریه‌کنندگان بگریند؛ زیرا که گریستن بر او گناهان بزرگ را محو می‌کند.» (۲۰)

نتیجه

در پایان، لازم است به چند نکته در مورد اهداف و چگونگی عزاداری امام حسین علیه السلام از سوی امامان شیعه علیهم السلام اشاره شود: اول اینکه امامان شیعه با برپایی عزاداری امام حسین علیه السلام تلاش می‌کردند حقایق امام حسین علیه السلام و باطل بودن ادعاهای یزید و امویان را ثابت کنند، و این نشان‌دهنده آن است که جو عمومی جامعه اسلامی چنان مسموم بود که حتی برخی از اصحاب و یاران امامان شیعه از این موضوع غافل بودند؛^(۲۱) چنان‌که در بسیاری از روایات و دعاهایی که از امامان شیعه بر جای مانده‌اند به‌طور مرتب تکرار می‌شود که امام حسین علیه السلام برای خدا و برپا کردن احکام اسلامی همچون نماز و امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد.^(۲۲)

دوم اینکه امامان شیعه علیهم السلام با برپایی عزای امام حسین علیه السلام و منسوب کردن خویش به ایشان، سعی در اثبات حقایق خود و ستمگری و بطلان دشمنان و حکومت زمان خود داشتند و برپاداری عزای امام حسین علیه السلام را بهترین و مؤثرترین شیوه مبارزه در زمان خویش می‌دانستند. امام رضا علیه السلام وقتی مصیبت‌های امام حسین علیه السلام و یارانش را بیان می‌کرد، به جای ایشان، کلمه ما را به کار می‌برد: «این امت جفاکار، خون ما را حلال و احترام ما را ضایع و اهل بیت ما را اسیر کردند و خیمه‌های حرم ما را سوختند و اموال ما را به غارت بردند و هیچ حرمتی از برای رسول الله صلی الله علیه و آله در حق ما لحاظ نکردند.»^(۲۳) در روایت معروف «سلسله الذهب» نیز امام رضا علیه السلام شرط وارد شدن به قلعه توحید و ایمن ماندن از عذاب را پذیرفتن امامت خویش بیان می‌کنند.^(۲۴)

در این زمینه، امامان شیعه علیهم السلام به آیات قرآن، که مورد وثوق همه فرقه‌های اسلامی است، متمسک می‌شدند؛ چنان‌که آیاتی از قرآن که در رابطه با حقوق اهل بیت پیامبر علیهم السلام بر امت اسلامی هستند،^(۲۵) در روایت اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند و یا در روایتی دیگر به آیاتی از قرآن که خصوصیات شهید راه خدا را بیان می‌کند، اشاره شده است.^(۲۶)

در مورد کیفیت و مدت برگزاری مراسم عزاداری در حضور امامان شیعه علیهم السلام نیز از

روایات و شواهد تاریخی چنین برمی آید که بر خلاف ادعای پنهانی بودن این مراسم در زمان ایشان، امامان شیعه علیهم‌السلام برای رسیدن به اهداف مقدس خویش، سعی می‌کردند این مراسم را به صورت دسته‌جمعی، حتی اگر شده با حضور خانواده خویش، علنی و در ملأ عام و در هر فرصت ممکن برپا دارند.

این قولیه از ابن هارون مکفوف^(۲۷) روایت کرده است: خدمت امام جعفر صادق علیه‌السلام رسیدم، به من فرمود: در مصیبت حسین علیه‌السلام شعری بخوان. ابوهاارون به شیوه رسمی و - به قول معروف - «کتابی» اشعار خود را خواند. حضرت به او فرمود: به همان نحوی که نزد قبر آن حضرت می‌خوانی، مرثیه‌سرایی کن؛ یعنی همراه با حزن و اندوه و سوز و گداز. او می‌گوید: پس من این بیت را خواندم:

أَمِيرَ عَلِيٍّ حَدِيثِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ.

یعنی بر مزار حسین گذر کن و به استخوان‌های پاکش بگو.

و چون حضرت گریست، من ساکت شدم. فرمود: بخوان. من چند بیت دیگر خواندم، بعد فرمود: باز هم بخوان. من این بیت را خواندم:

يَا مَرْيَمَ قَوْمِي فَأَنَّهُ بِي مَوْلَاكِ وَ عَلِيَّ الْحُسَيْنِ فَاسْعَدِي بِيكَاكِ.

پس حضرت گریست و اهل حرم به ناله و شیون آمدند و چون ساکت شد، فرمود: «ای اباهارون، هر که شعری در مصیبت حسین علیه‌السلام بسراید، پس بگریاند ده نفر را، بر او بهشت واجب است» و سپس نفرات را کم کرد تا به یک نفر رسید و فرمود: «هر که بخواند شعری در مصیبت حسین علیه‌السلام و یک نفر را بگریاند، بهشت بر او واجب است.»^(۲۸)

از این روایت برمی آید که امامان شیعه علیهم‌السلام عزاداری با سوز و گداز و همراه با گریه و زاری را تشویق و تبلیغ می‌کردند و برای آن ثواب زیادی قایل بودند. همچنین سعی می‌کردند اقوام و بستگان خود را نیز در این‌گونه مراسم شرکت دهند.

امام صادق علیه‌السلام با لحنی تشویق‌گونه خطاب به فضیل بن یسار می‌فرماید: «آیا مجلس تشکیل می‌دهید و با هم درباره ما سخن می‌گویید؟» فضیل می‌گوید: آری. امام

می فرماید: «من این مجالس را دوست دارم. پس هدف ما را زنده نگه دارید. خدا رحمت کند کسی را که هدف و امر ما را احیا کند. ای فضیل، کسی که ما را به یاد آورد و یا نزدش از ما یاد شود و از دیدگانش به اندازهٔ بال مگسی اشک بیرون آید، خداوند گناهانش را بیامرزد.» (۲۹)

نکتهٔ قابل توجه در مورد روایت اخیر، این است که برخی بخشیدن گناه در اثر عزاداری و گریستن بر امام حسین علیه السلام را بهانه‌ای برای مرتکب شدن گناهان و محرمات الهی و ترک واجباتی همچون نماز قرار داده‌اند، و حال آنکه حضرت امام حسین علیه السلام برای ترک حرام الهی (بیعت با حاکم ظالم و فاسد) و انجام واجبات شرعی (امر به معروف و نهی از منکر) قیام کرد و در این راه به شهادت رسید. خواندن نماز ظهر عاشورا در شرایط بسیار دشوار و فرصت گرفتن از دشمن در شب آخر برای خواندن قرآن و نماز، حکایت از عشق امام حسین علیه السلام به نماز و قرآن دارد. بنابراین، شاید بتوان سیرهٔ امامان شیعه علیهم السلام و نقل برخی از این‌گونه روایات را این‌گونه تفسیر کرد که عزاداری امام حسین علیه السلام باید عامل دمیدن روح امید در آحاد جامعهٔ اسلامی، حتی گناه‌کاران باشد. گریه بر امام حسین علیه السلام می‌تواند به گناه‌کاران این امید را ببخشد که در آن‌ها تحوّل ایجاد شود و بین آن‌ها و گناه فاصله ایجاد کند و آن‌ها را آمادهٔ انجام واجبات الهی تا حدّ شهادت در راه خدا گرداند. بنابراین، عزاداری بر امام حسین علیه السلام گناهان گذشته را می‌آمرزد، نه گناهان آینده را.

در کتاب *وسائل الشیعه* از قول امام صادق علیه السلام آمده است: «در ماجرای کربلا، زنان فاطمی در عزای حسین بن علی علیه السلام گریبان چاک نمودند و صورت‌ها خراشیدند و باید در مثل چنین مصیبتی، گریبان‌ها چاک زد.» (۳۰)

کتاب *عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه*، این روایت را منطبق بر فرمودهٔ حضرت صاحب‌الامر (عج) در زیارت «ناحیهٔ مقدّسه» می‌داند. در این زیارت، از قول امام زمان علیه السلام آمده است: «چون زنان اهل بیت در روز عاشورا، اسب تو را بدان حالت دیدند، از پس پسرده‌ها بیرون آمدند، گیسوان خود را پریشان کردند و سیلی بر صورت می‌نواختند.» (۳۱)

اما چه بسا نشر این‌گونه روایات عامل رفتارهایی خارج از ضوابط اسلامی در دوران حکومت آل‌بویه گردید. بنا به نوشته مورّخانی همچون ابن‌کثیر و ابن‌خلدون، در زمان معزالدوله دیلمی، روز عاشورا زنان با موی پریشان و چهره سیاه کرده از خانه‌هایشان خارج می‌شدند و بر سر و صورت می‌کوفتند و جامعه بر تن می‌دریدند و در عزای امام حسین علیه السلام می‌گریستند. (۳۲)

روشن است که عزاداری امام حسین علیه السلام از امور مستحب است، و غیر منطقی و غیر عقلانی و طبیعتاً غیر شرعی است که پیشوایان شیعه علیهم السلام عمل مستحبی را انجام دهند که مقدمات آن حرام شرعی باشد. از ساحت مقدّس امامان شیعه علیهم السلام و علمای راستین تشیع، تأیید چنین اعمالی به دور است. بنابراین، باید در صحّت این‌گونه روایات و ادعیه، که با اصول اسلامی و سیره معصومان علیهم السلام مغایرت دارد، تردید جدّی نمود.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدحسین مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۶۹.
۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)، ترجمه ابوالقاسم باینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲، ج ۷، ص ۳۱۰۳. در واقعه حرّه، که در سال ۶۲ ق روی داد (برخی سال ۶۳ و بعضی سال ۶۴ نوشته‌اند)، عبدالله بن حنظله با پشتیبانی مردم مدینه علیه حکومت یزید قیام کرد و پس از پیروزی بر امویان به سرکردگی مروان بن حکم، عامل یزید در مدینه، حکومت را به دست گرفت.
۳. ابی‌الفداء (اسماعیل) ابن‌کثیر الدمشقی، البدایة و النهایة، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۹۷۷ م، ج ۹، ص ۱۰۷.
۴. این عبارت ترجمه آیه‌ای از قرآن است: «قال إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَ حَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ». (یوسف: ۸۶) ر.ک: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، امالی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش، مجلس ۲۹، ص ۱۴۱.
۵. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، نجف، مطبعة المرتضویه، ۱۳۵۶ ق، باب ۳۲، ص ۱۱۵.
۶. لوط بن یحیی بن سعید العامدی از دی کوفی، نصوص من تاریخ ابی‌محنف، بیروت، دارالحجّة البيضاء، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۹ م، ج ۱، ص ۵۰۰ / همچنین ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق (۱۹۸۳ م)، ج ۴۵، ص ۱۹۶ / فخرالدین طریحی، المنتخب، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۸۲.
۷. علی ابوالحسنی (منذر)، سیاهپوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، قم: الهادی، ۱۳۵۷، ص ۱۲۶.
۸. جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۰. برای اطلاع

- ببشتر درباره واقعه حرّه ر.ک: طبری، پیشین، ج ۷، ص ۳۱۱۶ به بعد / عزالدین ابی الحسن ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م، ج ۵، ص ۲۳۰۱ به بعد.
۹. ازدی کوفی، نصوص من تاریخ ابی مخنف، ج ۱، ص ۵۰۳ به بعد.
۱۰. شیخ صدوق، امالی، مجلس ۲۷.
۱۱. سید شرف‌الدین، فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی علیه السلام، ترجمه علی صحت، تهران، مرتضوی، ۳۵۱، ص ۶۸.
۱۲. روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم ذی حجه را که حجّاج در سرزمین «منی» بیتوته می‌کنند و حالت اعتکاف دارند، «ایام تشریق» می‌گویند.
۱۳. ابن قولویه، پیشین، باب ۳۲، ص ۱۱۲.
۱۴. فخرالدین طریحی، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۳.
۱۵. همان.
۱۶. برای مثال، آیه «ولا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل اللّهِ امواناً بلّ احياء عند ربّهم یُرزقون.» (بقره: ۱۵۵)
۱۷. شیخ صدوق، پیشین، مجلس ۲۷.
۱۸. همان.
۱۹. ابن قولویه، پیشین، باب ۳۲، ص ۱۱۲.
۲۰. شیخ صدوق، پیشین، مجلس ۲۷، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.
۲۱. امام صادق علیه السلام در پاسخ عبداللّه بن سنان، یکی از اصحابش، که علت اندوهگین و عزادار بودن حضرت و اطرافیانش در عاشورا را پرسیده بود، فرمود: «آیا تو در بی‌خبری به سر می‌بری؟ مگر نمی‌دانی در چنین روزی حسین علیه السلام به شهادت رسید.» (ر.ک: علی ربّانی خلخالی، عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، قم، مکتب الحسینی، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۰).
۲۲. برای مثال، دعای زیارت «امین اللّه»، که منسوب به امام سجّاد علیه السلام، و زیارت عاشورا، که به امام باقر علیه السلام منسوب است.
۲۳. شیخ صدوق، پیشین، مجلس ۲۷، ص ۱۲۸.
۲۴. «کلمة لاله الا الله حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی بشرطها و شرطها و أنا من شرطها.» (ابی جعفر محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه محمد تقی اصفهانی، بی‌جا، علمیه اسلامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۴).
۲۵. «قُلْ ما اسألکم علیه اجرأ الا المودة فی القربى.» (شوری: ۲۳)
۲۶. همان.
۲۷. «مکفوف» به معنای نابیناست و به دلیل نابینا بودن ابوهارون، به او «مکفوف» می‌گفتند.
۲۸. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، تهران، مقدّس، ۱۳۷۹، ص ۷۰۷ به بعد.

۲۹. سید شرف‌الدین، پیشین، ص ۷.
۳۰. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، باب ۳۱، ص ۶۶.
۳۱. علی ربّانی خلخالی، پیشین، ص ۶۶.
۳۲. ابن کثیر، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۵۹ / عبدالرحمن بن محمّد ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، المسمی بکتاب العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی ایام العرب و العجم البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت، مؤسسه جمال للطباعة و النشر: بی تا، ج ۳، ص ۴۲۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی